

سرمقاله سلام دمکرات

"تحکیم وحدت" و "چپ رادیکال، دو روی یک سکه!"

امیر یعقوبعلی

دو شنبه 5 نوامبر 2007, بوسيله ی اردوان

در حالی که سرکوب جنبش های اجتماعی، و به طور خاص سرکوب جنبش دانشجویی در دستور کار دولت قرار گرفته است، و دانشگاه در حال گذر از وضعیت ویژه ای است، درگیری های درون دانشگاه در میان طیف های مختلف دانشجویی بالا گرفته است.

نیروهای چپ و لیبرال، اکنون در دو جبهه در حال مبارزه اند، جبهه اول نبرد با دستگاهی است که قصد تصفیه مخالفان خود از دانشگاه ها را در سر می پروراند، و پروژه انقلاب فرهنگی دوم که شعار نیروهای بسیجی در دو سال گذشته بوده است را به مرحله اجرایی در آورده است .

فارغ از تمامی بازی های سیاسی و قایم شدن پشت واژه هایی چون "پیگیری حقوق صنفی دانشجویان" و " پیگیری دموکراسی بر مبنای اعلامیه حقوق بشر" و ... و فارغ از اختلاف هایی که در میان هر دو جریان چپ و لیبرال وجود دارد، نبرد دوم ، نبردی کاملا ایدئولوژیک است بین این دو جریان دانشجویی.

اگر پیش تر این اختلاف زیر سایه نبرد اول، و در لایه ای پایین تر در سطح دانشگاه و در حد و اندازه بحث های عقیدتی و جدل های رسانه ای درون دانشگاهی مطرح می شد؛ حال این اختلاف ها به طور کامل بر نبرد اول چیره شده اند و با ارجحیت پیدا کردن بر نبرد اول، می روند تا جبهه اصلی مبارزات دانشجویی را تغییری مشخص بدهند.

تا به حال جدل های کلامی بسیاری بر سر مسائل و مشکلات جنبش دانشجویی در نشریات در گرفته است؛ بسیاری از این جدل های کلامی، بر این موضوع توافق دارند، که جنبش دانشجویی به دلیل ساختی که دارد، و عرصه ای که در آن زیست می کند، دارای مشکلات خاص خود است؛ عدم انباشت تجربه، مقطعی بودن مبارزات و نبود استراتژی مشخص در آن، مسائلی است که پیش تر به آن اشاره شده است و شاید بد نباشد که یک وجه دیگر را، که احتمالا خاص سرزمین ماست، بدان افزود؛ این جنبش هیچ درسی از گذشته خود نگرفته است، و حتی با آن بیگانه است .



جنبش دانشجویی در این چند ساله، افت و خیزهای بسیار داشته است، اما یک چیز در این سال ها تداوم یافته است و آن هزینه گزافی است که فعالان آن پرداخته اند و در عوض، نه تنها گامی به جلو برداشته اند، که نسبت به سال های پیش، عقب نشینی های بسیاری را نیز پذیرفته اند.

بسیاری از فعالان جنبش دانشجویی در این مدت، در جستجوی پاسخی به این سوال بوده اند که "مشکل جنبش دانشجویی چیست؟"، حال واکنش طیف لیبرال به این سوال، به طور ضمنی، "وجود جریانات چپ در دانشگاه" است، چه این جریانات، با عدم رعایت حداقلی از اخلاق سیاسی، موجبات ضربه زدن به جریاناتی را فراهم آورده اند که در مقابل حاکمیت ایستاده اند و این جریانات همانا انجمن های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت است.

اگر این مطلب را برداشت نگارنده از مطلب "انتقاد انجمن اسلامی پلی تکنیک از عملکرد مدعیان چپ در دانشگاه ها" در نظر بگیریم، این مطلب می کوشد تا ضمن نقد این بیانیه، نشان دهد که مشکل در جای دیگری است، و گروه های دانشجویی، از جمله صادر کننده بیانیه فوق در تشخیص مشکل به بیراهه رفته اند.

موضوع از چه قرار است ؟

در تاریخ 30 مهر سال 86 ، تریبون آزاد دانشجویی در دانشگاه پلی تکنیک برگزار می شود، پیش از برگزاری این تریبون آزاد، که بعد توضیح خواهم داد که مشکل بنیادینش چه بود، انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک فراخوانی برای شرکت در این تریبون آزاد که با عنوان "ستاره ها در اوین" از آن یاد می شد منتشر کرد، به همراه انتشار این فراخوان، همچون هر آکسیون دیگری گروه های دیگری نیز فراخوان های جداگانه ای برای شرکت در این برنامه دادند، که یکی از این جریانات، دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک بود.

اگر چه بر نگارنده تقدم و تاخر این دو فراخوان مشخص نیست، اما فرض بر این است که در یک "تریبون آزاد دانشجویی" امکان شرکت برای تمامی افراد وجود دارد، ضمن آنکه بسیاری چون نگارنده و دیگر دانشجویان دانشگاه علامه نه از طریق فراخوان انجمن اسلامی که از قضا از طریق شفاهی و از زبان دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک از برگزاری تریبون آزاد با خیر شدند.

باز هم حواشی پیش و پس برنامه روز 30 مهر بر نگارنده مشخص نیست، هر چند اصلا اهمیتی هم ندارد، چرا که نقد هایی که بر برنامه وارد است، همگی مربوط به همان زمانی است که برنامه در جریان بود.

نقد هایی بر برنامه "ستاره ها در اوین"

دانشجویانی از دانشگاه های سراسر تهران به پلی تکنیک می آیند تا یادی کرده باشند از تمامی دانشجویان دریند، فارغ از آنکه چه کسی فراخوان داده است، دو موضوع در اینجا محل بحث است؛

1 - موضوع این تربیون آزاد و یا هر تربیون آزاد دیگری که قرار است به دفاع از دانشجویان دریند، اختصاص یابد، باید دفاع از حق "تمامی دانشجویان دریند" باشد، گرچه برگزار کنندگان پلی تکنیک اصرار بر برجسته کردن دانشجویان هم دانشگاهی خود دارند، و این نه غیر اخلاقی است و نه عجیب بلکه کاملاً طبیعی است، اما باید بپذیرند که زمانی که از تمامی دانشجویان توقع حمایت و شرکت در برنامه را دارند، باید به خواست آنها نیز احترام بگذارند، فارغ از آنکه چه تصمیمی برای برنامه دارند، چرا که چنین برنامه ای از آن یک جریان خاص نیست .

2 - تربیون آزاد دانشجویی ترم مشخص خود را دارد، کسی نمی تواند برنامه ای بگذارد با عنوان تربیون آزاد دانشجویی و بعد وقت تقسیم کند بین خودی ها و غیر خودی ها و بعد تر هم منت اختصاص وقت به دیگری را بگذارد، و از میزان دموکراتیک بودن خود سخن ها براند.

متأسفانه، برنامه 30 مهر از سوی دو جریان دچار انحرافات شد، انحراف اول را کسانی گذاشتند که تربیون آزاد دانشجویی گذاشتند و بعد سخنران از پیش تعیین شده بالا فرستادند، که این بدعتی است در دانشگاه، که از سوی بسیج و نهادهای همسو پذیرفتنی است و از یک انجمن که مدعی " پیگیری دموکراسی بر اساس اعلامیه حقوق بشر " است، پذیرفتنی نیست. بدعت دوم زمانی رخ داد که دفاع از "حقوق صنفی دانشجویان" تبدیل شد به دفاع از حقوق صنفی دانشجویان پلی تکنیکی. اگر چه در این برنامه هم از دو دانشجویی کرد بازداشت شده آقایان هدایت غزالی و صباح نصری و همچنین از دانشجویان بازداشت شده اهوازی یاد شد، اما یاد از دیگر دوستان دریند، زیر سایه حمایت از "سه آذر اهورایی" (!) قرار گرفت و فراموش شد.

انحراف دوم را کسانی گذاشتند، که به برنامه آمدند، بی آنکه به موضوع آن بیاندیشند و شعارهای خود را متناسب با آن موضوع انتخاب کنند. نقد این جریان آکسونیستی، از سوی دانشجویان چپ نه به سبب حمل پلاکاردهای سرخ و پخش شدن در بین جمعیت که به دلیل حرکت فرقه گرایانه و خارج از شئون دموکراتیک این جریان است. کسانی که از موضع چپ به این افراد انتقاد کردند، چون آقای عربشاهی، اعتقاد ندارند که شرکت کنندگان در یک آکسیون باید پلاکاردها، شعارها، نحوه قرار گرفتن در بین افراد و ... را با یکی از فراخوان دهندگان هماهنگ کنند، بلکه معتقدند، شرکت کنندگان در یک تجمع، تربیون آزاد و یا هر شکل دیگری از آکسیون اعتراضی حق دارند تا با هویت خود، به طور رسمی، و به همراه پلاکاردها و شعارهایشان شرکت کنند. بدیهی است که این شعارها و پلاکاردها باید ارتباطی هر چند کم رنگ با موضوع آکسیون داشته باشند. اگر چه باید پذیرفت که نحوه خبر رسانی جریانانی چون "چپ رادیکال" و " دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک" در رابطه با آکسیون فوق غلو آمیز و به دور از شئون دموکراتیک بود . (که این نقد از سوی پلی تکنیکی ها، وارد نیست، چه آنها خود به این شئون دموکراتیک پایبند نبوده و نیستند، چنان که نگارنده در ادامه نشان خواهد داد .)

موضوع بحث های کلامی پیرامون این آکسیون اما به طور همزمان از سوی مهدی عربشاهی، هژیر پلاسچی، نگارنده این مطلب و چند وبلاگ نویس دیگر مطرح شد که می توان مجموعه این یادداشت ها را در این آدرس مشاهده کرد.

اما آنچه که موضوع را تا بدین حد جنجالی و موضع عربشاهی را تا این حد غیر قابل پذیرش کرد، یکی ادعاهای مهدی عربشاهی پیرامون جریانات چپ در دانشگاه، و دیگری مصادره به مطلوب کردن تمامی مقاومت و اعتراض در درون دانشگاه به نفع دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی بود، که این موضوع نیز در مقاله " ما از پی رد پای باد نمی رویم" هژیر پلاسچی به خوبی نقد شده است .

حال پس از تمامی این بحث ها، ما با بیانیه ای از سوی انجمن اسلامی پلی تکنیک مواجه گشته ایم، که برخورد با آن نمی تواند، همچون برخورد با مقاله مهدی عربشاهی، یک بحث کلامی صرف باشد، چه انجمن اسلامی پلی تکنیک، با ادامه صحبت پیشین عربشاهی، عزم راسخ نیروهای انجمن اسلامی بر جدا کردن خرج خود از دیگر جریانات دانشجویی را نشان می دهند و آن را راهی برای برون رفت از تشتت های میان گروه های دانشجویی می داند .

نقد بیانیه انجمن اسلامی پلی تکنیک

انجمن اسلامی پلی تکنیک، بیانیه خود را با اشاره به مقاومت های این جریان در مقابل نهادهای سرکوبگر آغاز می کند، و از عزم راسخ خود برای دفاع از آزادی و آزادیخواهی سخن می گوید و در مقابل از هجوم نیروهای "خلق الساعه حامل ایدئولوژی چپ" به خود خبر می دهد .

اگر چه در مقاومت این جریان در مقابل نهادهای سرکوبگر و هزینه هایی که آنها متحمل شده اند، شکی نیست، اما برخورد انجمن اسلامی پلی تکنیک با انتقادهای نیروهای چپ به انجمن های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت و گذشته آنها، برخوردی به واقع به دور از اخلاق دموکراتیک است .

نگارنده بیانیه سعی دارد، تا با مظلوم نمایی، از فشارهای دو جانبه دستگاه حکومتی و نیروهای چپ منتقد انجمن به خود سخن گفته و اینطور وانمود کند، که چپ با قرار گرفتن در جبهه نیروهای سرکوب گر دولتی عملاً بر خلاف منافع دانشجویان و دانشگاهیان عمل می کند.

آگاهان به تاریخ جنبش دانشجویی، از پیشینه هر دو جریان چپ و انجمن اسلامی و تحکیم باخبرند، همگان می دانند که کدام گروه و چندین بار پشت سر نیروهای سرکوبگر قرار گرفته اند، یا سعی کرده اند با لابی گری با دولت، امتیازاتی را از آن خود کنند .

نفس وجود چیزی با عنوان "انجمن اسلامی" و یا "دفتر تحکیم وحدت" نشان از رانت دولتی دارد، که انجمنی ها و تحکیمی ها در طول 27 سال گذشته همواره از آن بهره مند بودند، عجبا که بهره مندی از این رانت، به لطف سرکوب چپ در دانشگاه و جامعه ممکن شده است.

حال جریانات مدعی پیگیری "حقوق صنفی دانشجویان" و "دموکراسی بر اساس قواعد حقوق بشر"، بهتر است، یک بار و برای همیشه تکلیف خود را نه با چپ ها، که با نیای خویش که باعث و بانی وضعیت موجود در دانشگاه هاست روشن کنند .

طرفه آنکه نویسندگان بیانیه، حتی به موضع گیری های دفتر تحکیم وحدت و انجمن های متبوعش در چند سال گذشته نیز آشنا نیستند، که با عدم فهم نقد جریانات چپ و مصادره به مطلوب بازداشت های این چند ماهه، سعی در تغییر صورت مسئله دارند.

دفتر تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی که حال به واسطه حذف نهادهایشان از دانشگاه، و با از دست دادن رانت 27 ساله که به وجودش عادت داشتند و بدان می بالیدند، نیروهای پیشرو شده اند .

این جریانات زمانی تبدیل به سییل برخورد شدند، و آماج حملات دولت قرار گرفتند که دانشجویان چپ، با آرای دانشجویی و در انتخابات هایی که تحت نظارت خود تحکیم وحدت برگزار می شد، به درون مجموعه تحکیم راه یافتند، و در واقع لطف دوستان اصلاح طلبی چون شکوری راد و جلایی پور، به انجمن های اسلامی بود که آنها را رو به انحلال برد.

هنوز از یاد نبرده ایم مقالات پی در پی و برنامه ریزی شده مدعیان جامعه مدنی را که در باب ضرورت حذف چپ از مجموعه انجمن ها و دفتر تحکیم سخن می گفتند و آن را ضرورتی عاجل می شمردند. از یاد نبرده ایم که وقتی می گفتیم این ها به طور دموکراتیک انتخاب شده اند، در جواب از "اسلامیت" انجمن ها دفاع می کردند و "چپ ها" را روانه خانه دیگری می کردند، که بروید تشکل های خود را تشکیل دهید.

حال که چپ فارغ از جریانات متفاوت و گاه متضاد درونی اش، توانسته است از خاکستر سال های سیاه دهه 60 سر بر بیاورد و بر پای خود بایستد و با بدنه دانشگاه ارتباطی هر چند ضعیف برقرار کند، برای دیگر بار نگرانی ها آغاز شده است .

نمی خواهید که باور داشته باشیم، که موضوع چند پلاکارد سرخ است و یک سرود آفتابکاران، که تحمل دوستان لیبرال مان را به سر آورده است، تا مدام در بوق و کرنا کنند که "هالیا! اینک مدافعان گولاک ها سر رسیدند ..."

بیانیه انجمن در جایی می آورد " در هنگامه های سخت، تنها این انجمن های اسلامی هستند که بنا به رسالت خود، از حقوق انسانی تمامی افراد، حتی نیروهای وابسته به جریانات چپ، فارغ از نوع نگاه و ایدئولوژی شان، دفاع می نمایند"

آری، به یاد می آوریم هنگامه های سخت سال های 60 را، انقلاب فرهنگی را و سرکوب مداوم چپ در دانشگاه و جامعه را . چرا راه دور برویم؟ به یاد می آوریم همین سال ها را، که ندای وا اسفای لیبرال ها دنیا را پر کرده بود، که چه نشسته اید که انجمن های اسلامی را "چپ ها" گرفته اند، آن هم نه با کودتا(!) و جنبش های مسلحانه و ... که با رای دانشجویان و این آن چیزی است که ترس را برای تمامی کسانی که هیستری چپ دارند به ارمغان آورده است؛ که چپی آغاز به رشد و نمو کرده است



که با رای مردم و دانشجویان به پیش خواهد رفت. از همین رو بود که این جریانات، برای برگزاری مراسم 16 آذر سال 85 به سراغ کسانی رفتند، که اگر چه نام "چپ" را یدک می کشیدند، اما از آن شئونات دموکراتیک به دور بودند، و حال چه بهانه ای بهتر از این برای تخریب چهره چپ در دانشگاه و به تبع آن جامعه؟

موضوع درست عکس آن چیزی است که شما نشان می دهید، دوستان انجمنی، چه لاقفل در برخی از دانشگاه ها از جمله دانشگاه علامه این دانشجویان چپ بودند، که به یاری انجمنی ها شتافتند، تا این آخرین تشکل باقی مانده در دانشگاه، همچنان پا بر جای بماند، هر چند در آن جایی برای نیروهای چپ نباشد.

دوستان صادر کننده بیانیه در جایی دیگر نوشته اند " چند صباحی است که جریانات موسوم به چپ با زیر پا گذاردن اصول اولیه اخلاقی فعالیت سیاسی و مدنی، از هیچ فرصتی جهت ضربه زدن به انجمن ها فروگذار نکرده و آن ها را با انواع و اقسام اتهامات بی پایه و اساس آماج حملات خود قرار می دهند. این اتهامات که گویی «تصادفا» در بسیاری از موارد همسو و همزمان با جریانات وابسته به حاکمیت بر علیه دانشجویان عضو انجمن های اسلامی آغاز می شود، متناسب با مشکلات و محدودیت هایی است که از سوی حاکمیت پیش روی انجمن ها قرار می گیرد."

سال هاست که چپ سرکوب می شود، تفاوتی نمی کند که حاکمیت نماینده غرب در خاورمیانه باشد یا بزرگترین دشمن آن، لائیک باشد آن طور که پهلوی ها بودند، یا اسلام گرا، لیبرال باشد آن طور که هاشمی ها بودند یا چپ گرا چون دولت موسوی، چپ سرکوب می شود، چون اگر صدایی از آن به گوش برسد، دیگر حرف لیبرال و چپ و راست اسلام گرا خریدار ندارد.

در میانه این سرکوب، همواره شاهد نقدهای غیر منصفانه لیبرال ها و اسلام گراها بوده ایم، و هیچ گاه دم بر نیاورده ایم، چه شده که انتقاد از انجمن های اسلامی که تاریخ اش پر است از سیاهی و اشتباه، " ضربه زدن" و "اتهام های بی پایه و اساس" شده است ؟

یا سخنی دیگر، مگر صرف همزمانی و یا اصلا تشابه انتقاد چپ و دستگاه حاکمه، دلیلی بر بطالت نقد است؟ شاید دوستان انجمنی ما نمی دانند، که نقد از "موضوع" به "موضوع" است که معنی دارد . که اگر ما نقد می کنیم، معتقدیم جریانی که ادعای نمایندگی دانشجویان را می کند باید پیشرو تر از آن باشد که اینک هست.

بیانیه انجمن در ادامه برای آن که شاهدی بر بی اخلاقی های چپ ها بیاورد، اولاً تمامی جریانات چپ را به یک جریان شناسنامه دار با عنوان "چپ رادیکال" تقلیل می دهد، سپس قلب واقعیت می کند و از تجمع با شکوه 16 آذری می گوید که در آن انجمن و تحکیم میزبان بودند و "چپ رادیکال" میهمان ناخوانده .

دوستان حافظه خود را به کلی از دست داده اند؛ از یاد برده اند، که در همان روزها با دعوت از چپ های رادیکال به برگزاری برنامه مشترک، به نیت مصادره به مطلوب نیروهای آن جریان، پشت میزهای مذاکره نشستند و برنامه ای ریختند برای 16 آذر. حال ما دیگر دانشجویان چپ که از قضا با تحریم برنامه فوق و عدم شرکت در آن به دلیل عدم دعوت به جلسه هماهنگی، چه گناهی کرده ایم که باید پاسخ گوی دعوی دو جریان فرصت طلب باشیم؟

اگر به جای آن که بازی رسانه ای 16 آذر 85 را تحکیمی ها ببرند، چپ های رادیکال و پلاکاردهای سرخشان بردند، این میان چرا باید "چپ" به عنوان یک کل در دانشگاه تاوان آن را بدهد؟

گله های انجمنی های پلی تکنیک جالب تر می شود، آنها در ادامه با اشاره به برنامه 30 مهر پلی تکنیک می گویند " پس از برگزاری تریبون در حالی که کلیه زحمات و بخش عمده ای از هزینه برگزاری این تجمع در شرایط خفقان کنونی بر روی شانه های نحیف اعضای انجمن اسلامی قرار گرفته بود، دانشجویان چپ با مصادره به مطلوب کردن این تجمع در سایت ها و ویلاگ های خود، با انتشار تصاویری غیرواقعی از این تجمع، به صورتی که صرفاً پلاکاردهای سرخ در کادر باشد، این برنامه را «تجمع دانشجویان سوسیالیست و چپ» نامیدند. "

چه بگویم از تجمع 8 آبان علامه طباطبایی که دعوی جدید را بر نیانگیزد در این شرایط؟ مصادره به مطلوب چپ های سوسیالیست پلی تکنیک که نگارنده با آنها بیگانه است اشتباه بود و از سر عدم رعایت اخلاق دموکراتیک، اما گزارش ها و عکس های خبرنگار امیرکبیر از دانشگاه علامه چطور؟ اما زیر پای گذاشتن توافق برای برنامه علوم اجتماعی علامه چطور؟

انجمنی های پلی تکنیک فراموش کرده اند که برنامه "علامه" که هزینه ای به مراتب گزاف تر را بر دوش دانشجویان علوم اجتماعی گذاشته است، قرار بود برنامه ای برای دفاع از تمامی دانشجویان در بند باشد و برای دفاع از حق تحصیل، که اگر در علامه ما دانشجوی زندانی نداشتیم (که حال متأسفانه با بازداشت مازیار سمیعی در اوین داریم) 30 دانشجوی محروم از حق تحصیل داشتیم. آنها این را فراموش کردند و این توافق را که تنها "بیانیه" بخوانند، و تنها " یک پلات از 3 دانشجوی در بند همراه بیاوردند" بدون پلاکارد و بدون عکس و هر چیز دیگر .

خواهش می کنم سری بزیند به خبرنگار امیرکبیر، تصاویر را ببینید، هیچ کدام از پلاکاردهای علامه ای ها دیده نمی شود، در عوض عکس ها پر است از 3 دانشجوی زندانی و پلاماردهای پلی تکنیکی ها و ...

طرفه آنکه یکی از این مجموعه عکس ها را یکی از دانشجویان علامه ای فرستاده است برای آقایان، و دوستان دموکراتیک مان از میان تمامی عکس ها ان ها را انتخاب کرده اند که به دردشان می خورد. آنها که تصاویر سه آذر اهورایی در آنها بهتر و با وضوح بیشتر مشخص است .

نگارنده منتظر پاسخ دست اندرکاران خبرنگار و انجمن اسلامی آن می ماند، تا بگویند چرا خود دیگران را "وعظ" می کنند و بی عمل اند.

بیانیه را ادامه می دهیم با این جمله که " در نهایت نیز دانشجویان چپ پس از انتشار کوچکترین و ملایم ترین انتقاد ممکن توسط یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و پیشنهاد برگزاری

تجمعاتی جداگانه از سوی ایشان، با توهین های شدید و سخیف به دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر و سایر انجمن ها پاسخ این انتقاد منصفانه را به بی اخلاق ترین شکل ممکن دادند."

باز هم نگارنده در انتظار فاکت های نویسندگان بیانیه برای "توهین های شدید و سخیف" می ماند، و متاسف است از تحمل و رواداری لیبرالی دوستان.

نگارندگان بیانیه در ادامه آورده اند که "انجمن اسلامی امیرکبیر تاکنون در مقابل فعالیت های غیراخلاقی طیف موسوم به چپ، که حضورشان بیشتر مبتنی بر فضای مجازی ویلاگی بوده و بارها اثبات کرده اند که جز چارچوب ایدئولوژی خود به هیچ اصل اخلاقی دیگری پایبند نیستند، سیاست سکوت را در پیش گرفته بود. اما این انجمن بدین وسیله اعلام می دارد زین پس، در مقابل هر گونه رفتار و حرکتی که در لفافه شعارهای پرطمطراق «دفاع از خلق» یا «دفاع از حقوق کارگر» و ... بخواهد آب را گل آلود کرده و ماهی مقصود را در فضای بی اخلاقی صید کند، خواهند ایستاد و پروپاگاندای غیرواقعی جریانات فرصت طلب را افشا خواهند کرد. تا سیه روی شود هر که در او غش باشد."

همچنین است برای نگارنده، که این مطلب را از آن رو نوشت که نشان دهد، که انجمن اسلامی پلی تکنیک، آن روی سکه دوستان رادیکال چپ است، و گر چه نکوهش می کند فرصت طلبی را اما از تکرار آن دریغ ندارد، که وقایع دانشگاه علامه نشانی از تمایل این دوستان به همان رسمی است که نقدش می کنند.

در پایان بیانیه انجمن آمده است که "در ضمن از آنجا که انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر قرار گرفتن در چارچوب تنگ هرگونه ایدئولوژی و هر نوع دسته بندی در فعالیت های مدنی و دانشجویی را سد راه این گونه فعالیت ها و آفت فعالیت های دانشجویی می داند، در نوع نگاه به مسائل با دانشجویان موسوم به چپ اختلاف اساسی دارد. تجربه یک سال اخیر نیز نشان داده که مواضع مشترک میان دانشجویان فعال در انجمن ها و فعالین چپ، مواردی انگشت شمار است و نمی تواند حلقه پیوندی میان این دو گروه ایجاد نماید. لذا به اعتقاد انجمن اسلامی امیرکبیر، تعریف فعالیت مشترک میان این دو گروه جز آن که به آتش بدبینی و اختلاف میان ایشان دامن زند، ثمر دیگری ندارد."



گر چه این روزها، غیر ایدئولوژیک بودن می تواند نشان پیشرو تر بودن باشد، اما داعیه داران فراروی از "چارچوب های تنگ ایدئولوژی" خود گرفتار در چنبره ایدئولوژی های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی هستند و "هیئتسری چپ" را همچون اسلاف خود یدک می کشند، و "مبارزه با چپ" را آیین و ایدئولوژی خود کرده اند.

نگارنده همان طور که در آغاز بیان کرد، بر این اعتقاد است که در شرایط حاضر، جبهه اول، یعنی مقاومت در مقابل حذف منتقدان از دانشگاه و برخورد با فعالان اجتماعی در جامعه به مراتب مهم تر از جبهه دوم است. این مسئله به منزله کنار گذاشتن اختلافات و از یاد بردن تفاوت های اساسی بین گروه های حاضر در دانشگاه نیست. این مسئله به این معنی است که دفاع از "حقوق دموکراتیک" وظیفه ای است که تمامی مدعیان آزادی و آزادی خواهی باید آن را اجابت کنند و لازمه چنین دفاعی پایین گذاشتن پلاکاردهای سرخ، و یا خواندن/نخواندن سرود "ای ایران" نیست، لازمه چنین دفاعی اجماع بر سر حداقل ها، و برنامه مشترک برای پیشبرد آنها است.

اگر انجمنی های امروز می خواهند نشان دهند، که با تاریخچه خود و پیشینیان شان تفاوت دارند، باید به دفاع از حضور چپ در دانشگاه بپردازند و برای حق "تشکل مستقل برای همگان" تلاش کنند، ورنه دفاع از انجمن های اسلامی و هزینه پرداختن برای آن، مبارزه ای نیست که منت آن را بر سر همه دانشجویان بگذاریم و آن را مایه مباهات بدانیم، انجمنی ها اگر همچنان به دنبال زنده کردن رانت از دست رفته شان هستند، باید نه از چپ ها که از تمامی دانشجویان مستقل شوند، و اگر به راستی به دنبال گرفتن حق تمامی دانشجویان هستند، چپ ها هم امروز در دانشگاه حضور دارند، و این حضور اگر بیشتر از حضور تحکیم و انجمنی هایش نباشد، بی شک کمتر از آن نیست.

باشد که درگیری های قلمی فوق، باعث روشن تر شدن اختلاف ها و تفاوت ها شود، که این راهی است برای اتحاد عمل در مقابل موج سرکوبی که در پیش است.

نگارندگان بیانیه در ادامه آورده اند که "انجمن اسلامی امیرکبیر تاکنون در مقابل فعالیت های غیراخلاقی طیف موسوم به چپ، که حضورشان بیشتر مبتنی بر فضای مجازی ویلاگی بوده و بارها اثبات کرده اند که جز چارچوب ایدئولوژی خود به هیچ اصل اخلاقی دیگری پایبند نیستند، سیاست سکوت را در پیش گرفته بود. اما این انجمن بدین وسیله اعلام می دارد زین پس، در مقابل هر گونه رفتار و حرکتی که در لفافه شعارهای پرطمطراق «دفاع از خلق» یا «دفاع از حقوق کارگر» و ... بخواهد آب را گل آلود کرده و ماهی مقصود را در فضای بی اخلاقی صید کند، خواهند ایستاد و پروپاگاندای غیرواقعی جریانات فرصت طلب را افشا خواهند کرد. تا سیه روی شود هر که در او غش باشد."

همچنین است برای نگارنده، که این مطلب را از آن رو نوشت که نشان دهد، که انجمن اسلامی پلی تکنیک، آن روی سکه دوستان رادیکال چپ است، و گر چه نکوهش می کند فرصت طلبی را اما از تکرار آن دریغ ندارد، که وقایع دانشگاه علامه نشانی از تمایل این دوستان به همان رسمی است که نقدش می کنند.

در پایان بیانیه انجمن آمده است که "در ضمن از آنجا که انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر قرار گرفتن در چارچوب تنگ هرگونه ایدئولوژی و هر نوع دسته بندی در فعالیت های مدنی و دانشجویی را سد راه این گونه فعالیت ها و آفت فعالیت های دانشجویی می داند، در نوع نگاه به مسائل با دانشجویان موسوم به چپ اختلاف اساسی دارد. تجربه یک سال اخیر نیز نشان داده که مواضع مشترک میان دانشجویان فعال در انجمن ها و فعالین چپ، مواردی انگشت شمار است و نمی تواند حلقه پیوندی میان این دو گروه ایجاد نماید. لذا به اعتقاد انجمن اسلامی امیرکبیر، تعریف فعالیت مشترک میان این دو گروه جز آن که به آتش بدبینی و اختلاف میان ایشان دامن زند، ثمر دیگری ندارد."

گر چه این روزها، غیر ایدئولوژیک بودن می تواند نشان پیشرو تر بودن باشد، اما داعیه داران فراروی از "چارچوب های تنگ ایدئولوژی" خود گرفتار در چنبره ایدئولوژی های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی هستند و "هیتسری چپ" را همچون اسلاف خود یدک می کشند، و "مبارزه با چپ" را آیین و ایدئولوژی خود کرده اند.

نگارنده همان طور که در آغاز بیان کرد، بر این اعتقاد است که در شرایط حاضر، جبهه اول، یعنی مقاومت در مقابل حذف منتقدان از دانشگاه و برخورد با فعالان اجتماعی در جامعه به مراتب مهم تر از جبهه دوم است. این مسئله به منزله کنار گذاشتن اختلافات و از یاد بردن تفاوت های اساسی بین گروه های حاضر در دانشگاه نیست. این مسئله به این معنی است که دفاع از "حقوق دموکراتیک" وظیفه ای است که تمامی مدعیان آزادی و آزادی خواهی باید آن را اجابت کنند و لازمه چنین دفاعی پایین گذاشتن پلاکاردهای سرخ، و یا خواندن/نخواندن سرود "ای ایران" نیست، لازمه چنین دفاعی



اجماع بر سر حداقل ها، و برنامه مشترک برای پیشبرد آنها است. اگر انجمنی های امروز می خواهند نشان دهند، که با تاریخچه خود و پیشینیان شان تفاوت دارند، باید به دفاع از حضور چپ در دانشگاه بپردازند و برای حق "تشکل مستقل برای همگان" تلاش کنند، ورنه دفاع از انجمن های اسلامی و هزینه پرداختن برای آن، مبارزه ای نیست که منت آن را بر سر همه دانشجویان بگذاریم و آن را مایه مباهات بدانیم، انجمنی ها اگر همچنان به دنبال زنده کردن رانت از دست رفته شان هستند، باید نه از چپ ها که از تمامی دانشجویان مستقل شوند، و اگر به راستی به دنبال گرفتن حق تمامی دانشجویان هستند، چپ ها هم امروز در دانشگاه حضور دارند، و این حضور اگر بیشتر از حضور تحکیم و انجمنی هایش نباشد، بی شک کمتر از آن نیست.

باشد که درگیری های قلمی فوق، باعث روشن تر شدن اختلاف ها و تفاوت ها شود، که این راهی است برای اتحاد عمل در مقابل موج سرکوبی که در پیش است.

نگارندگان بیانیه در ادامه آورده اند که "انجمن اسلامی امیرکبیر تاکنون در مقابل فعالیت های غیراخلاقی طیف موسوم به چپ، که حضورشان بیشتر مبتنی بر فضای مجازی ویلاگی بوده و بارها اثبات کرده اند که جز چارچوب ایدئولوژی خود به هیچ اصل اخلاقی دیگری پایبند نیستند، سیاست سکوت را در پیش گرفته بود. اما این انجمن بدین وسیله اعلام می دارد زین پس، در مقابل هر گونه رفتار و حرکتی که در لفافه شعارهای پرطمطراق «دفاع از خلق» یا «دفاع از حقوق کارگر» و ... بخواهد آب را گل آلود کرده و ماهی مقصود را در فضای بی اخلاقی صید کند، خواهند ایستاد و پروپاگاندای غیرواقعی جریانات فرصت طلب را افشا خواهند کرد. تا سبه روی شود هر که در او غش باشد."

همچنین است برای نگارنده، که این مطلب را از آن رو نوشت که نشان دهد، که انجمن اسلامی پلی تکنیک، آن روی سکه دوستان رادیکال چپ است، و گر چه نکوهش می کند فرصت طلبی را اما از تکرار آن دریغ ندارد، که وقایع دانشگاه علامه نشانی از تمایل این دوستان به همان رسمی است که نقدش می کنند.

در پایان بیانیه انجمن آمده است که "در ضمن از آنجا که انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر قرار گرفتن در چارچوب تنگ هرگونه ایدئولوژی و هر نوع دسته بندی در فعالیت های مدنی و دانشجویی را سد راه این گونه فعالیت ها و آفت فعالیت های دانشجویی می داند، در نوع نگاه به مسائل با دانشجویان موسوم به چپ اختلاف اساسی دارد. تجربه یک سال اخیر نیز نشان داده که مواضع مشترک میان دانشجویان فعال در انجمن ها و فعالین چپ، مواردی انگشت شمار است و نمی تواند حلقه پیوندی میان این دو گروه ایجاد نماید. لذا به اعتقاد انجمن اسلامی امیرکبیر، تعریف فعالیت مشترک میان این دو گروه جز آن که به آتش بدبینی و اختلاف میان ایشان دامن زند، ثمر دیگری ندارد."

گر چه این روزها، غیر ایدئولوژیک بودن می تواند نشان پیشرو تر بودن باشد، اما داعیه داران فراروی از "چارچوب های تنگ ایدئولوژی" خود گرفتار در چنبره ایدئولوژی های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی هستند و "هیئتسری چپ" را همچون اسلاف خود یدک می کشند، و "مبارزه با چپ" را آیین و ایدئولوژی خود کرده اند.

نگارنده همان طور که در آغاز بیان کرد، بر این اعتقاد است که در شرایط حاضر، جبهه اول، یعنی مقاومت در مقابل حذف منتقدان از دانشگاه و برخورد با فعالان اجتماعی در جامعه به مراتب مهم تر از جبهه دوم است. این مسئله به منزله کنار گذاشتن اختلافات و از یاد بردن تفاوت های اساسی بین گروه های حاضر در دانشگاه نیست. این مسئله به این معنی است که دفاع از "حقوق دموکراتیک" وظیفه ای است که تمامی مدعیان آزادی و آزادی خواهی باید آن را اجابت کنند و لازمه چنین دفاعی پایین گذاشتن پلاکاردهای سرخ، و یا خواندن/نخواندن سرود "ای ایران" نیست، لازمه چنین دفاعی اجماع بر سر حداقل ها، و برنامه مشترک برای پیشبرد آنها است.

اگر انجمنی های امروز می خواهند نشان دهند، که با تاریخچه خود و پیشینیان شان تفاوت دارند، باید به دفاع از حضور چپ در دانشگاه بپردازند و برای حق "تشکل مستقل برای همگان" تلاش کنند، ورنه دفاع از انجمن های اسلامی و هزینه پرداختن برای آن، مبارزه ای نیست که منت آن را بر سر همه دانشجویان بگذاریم و آن را مایه مباحث بدانیم، انجمنی ها اگر همچنان به دنبال زنده کردن رانت از دست رفته شان هستند، باید نه از چپ ها که از تمامی دانشجویان مستقل شوند، و اگر به راستی به دنبال گرفتن حق تمامی دانشجویان هستند، چپ ها هم امروز در دانشگاه حضور دارند، و این حضور اگر بیشتر از حضور تحکیم و انجمنی هایش نباشد، بی شک کمتر از آن نیست.

باشد که درگیری های قلمی فوق، باعث روشن تر شدن اختلاف ها و تفاوت ها شود، که این راهی است برای اتحاد عمل در مقابل موج سرکوبی که در پیش است.